

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

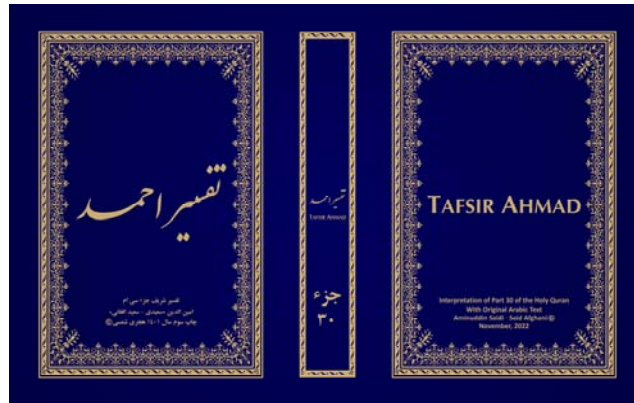
الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۲۷ فیروزی ۲۰۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة العلق - (۱)

جزء ۳۰



سورة علق در «مکه» نازل شده و دارای ۱۹ آیت می باشد

**وجه تسمیه:**

سبب نامگذاری این سوره به «علق» به دلیل دومین آیت آن است. هکذا این سوره به «اقرأ» یا «قلم» نیز مسمی می باشد، زیرا الله سبحان و تعالی آن را با فرموده اش «اقرأ باسم ربك الذي خلق الإنسان من علق اقرأ وربك الأكرم الذي علم بالقلم...» آغاز نموده است.

این سوره اولین ارتباط آسمان با انسان بعد از حدود شش قرن می باشد و با این اتصال تحولات عظیمی در زمین به وقوع می پیوندد و تولد انسان با این تحولات در بینش ها، خصلت ها خلق خوی، طبیعت و عادت مردم رقم می خورد. شایان ذکر است که صدر این سوره، اولین آیات نازل شده قرآن کریم می باشد اما بقیه این سوره بعد از انتشار دعوت آن حضرت صلی الله علیه و سلم در میان قریش و بروز تحریکات شان علیه دعوت، نازل شده است.

**تعداد آیات، کلمات و حروف سوره العلق :**

این سوره اولین سوره ای است که پنج آیت اول آن در مکه بر قلب پیامبر صلی الله علیه و سلم، نازل شده است. سوره (علق) که به نام سوره «اقرأ» هم یاد می شود طوری که متذکر شدیم، از جمله سوره های مکی می باشد. این سوره

دارای (۱) یک رکوع، (۱۹) نزده آیت، (۷۳) هفتاد و سه کلمه، (۱۹۷) یکصدونود و هفت حرف، و (۱۲۵) یکصد و بیست و پنج نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث می توانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرمائید).

### پیوند ارتباط سوره العلق با سوره تین :

در سوره تین به آفرینش بی نمونه و زیبایی انسان، اشاره به عمل آمده است و در سوره علق ، به آفرینش انسان از علق و ماده پیدایش او. این سوره احوال جهان ابدی را به یاد می آورد که بیانگر سوره قبل است: (آیات متبرکه ۵ و ۷).

### یادداشت :

باید گفت که (سوره علق آیت ۱۹) دارای سجده تلاوت می باشد. شما می توانید معلومات تفصیلی در مورد حکم سجده تلاوت را در سوره «النجم» همین تفسیر مطالعه فرمائید.

### محتوای سوره علق :

اکثریت مطلق مفسران بدین باور اند که از محتوای این سوره طوری معلوم می شود که این سوره اولین سوره است که بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شده است.

در آغاز به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دستور قرائت و تلاوت می دهد و سپس از آفرینش این انسان با عظمت، از يك قطعه خون بي ارزش، سخن می گوید.

در مرحله بعد از تکامل انسان در پرتو لطف و کرم پروردگار، و آشنائی او به علم و دانش و قلم بحث می کند.

و در مرحله بعد، از انسان های ناسپاسی که علی رغم این همه موهبت و اکرام الهی راه طغیان را پیش می گیرند سخن به میان می آورد.

و سر انجام به مجازات دردناک کسانی که مانع هدایت مردم و اعمال نیک اند اشاره می کند و سوره را با دستور سجده و تقرب به درگاه پروردگار پایان می دهد.

به صورت کل محتوای سوره علق را می توان در نکات ذیل چنین خلاصه و جمع بندی نمود :

- آغاز نزول وحی بر خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و سلم.

- سرکشی و طغیان انسان در مقابل اوامر خدا به سبب داشتن مال.

- داستان ابوجهل بدبخت و منع کردن پیامبر از اقامه نماز.

- سوره علق با بیان فضل و کرم الله متعال نسبت به پیامبر آغاز می شود. در آغاز سوره خداوند سبحان یادآور می شود که این قرآن یعنی «معجزه جاودانی» را بر او نازل کرده است، در حالی که او در «غار حرا» خدایش را عبادت می کرد: «إِذَا بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ . . . تا . . . عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.»

- بعد از آن از سرکشی و طغیان انسان در این دنیا بحث کرده و بیان می نماید هرگاه انسان نیرو و ثروتی داشته باشد از

فرمان الهی سر باز زده و به سبب نعمت و ثروتی که در اختیار دارد سر طغیان بلند می کند. در حالی که بالعکس باید

در مقابل فضل و کرمی که الله به وی ارزانی داشته است او را سپاسگزار باشد، نه این که نعمت او را انکار کند. و به

او تذکر می دهد که به سوی الله برگردد تا به مکافات اخروی نایل آید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى \* إِنَّ إِلَى

رَبِّكَ الْرُجْعَى.»

- بعد از آن، داستان «ابو جهل»، فرعون این امت را مورد بحث قرار می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را تهدید می‌کرد و به منظور نصرت و یآوری بت‌ها، او را از اقامه نماز باز می‌داشت: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \*عَبْدًا إِذَا صَلَّى\*».

- ودر پایان واختمام سوره آن انسان بدبخت کافر را تهدید کرده است که اگر به گمراهی و طغیان خود ادامه دهد، به سزا و مجازات شدید گرفتار می‌آید و نیز به پیامبر صلی الله علیه و سلم هدایت فرموده است که به وعید و تهدید آن مجرم و گناهکار گوش فراندهد: «كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ . . . تَا . . . كَلَّا لَا تُطِعُهُ وَ أَسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ».

- طوری که یادآور شدم سوره مبارکه علق با دعوت به خواندن و یادگیری قرآن شروع شده است، و با توصیه به نماز و عبادت خاتمه می‌یابد تا علم با عمل قرین گردد و آغاز با ختام متناسب و همگون و هم نظم باشد.

### آغاز وحی در تاریخ اسلام :

اکثریت به اتفاق مفسرین جهان اسلام در این مورد متفق الرای اند که: آیاتی از اول سوره علق، اولین آیات نازل شده وحی را تشکیل می‌دهند: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* أَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق آیات ۱-۵) «بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان، و پروردگارت تو کریمترین (کریمان) است. همان کس که به وسیله قلم آموخت. آنچه را که انسان نمی‌دانست (بتدریج به او آموخت»

امام احمد (رح) می‌فرماید: عبدالرزاق و معمر پسر زهري برای ما از عروه، و او از عائشه (رضی الله عنها) روایت کرده‌اند که گفته است: «اولین چیزی که به پیامبر صلی الله علیه و سلم وحی گردیده است به صورت رؤیای صادقانه در خواب بوده است. هیچ خوابی نمی‌دید مگر این که مثل سپیده صبح تحقق می‌یافت. پس از این مرحله، دوست داشت گوشه‌گیری و خلوت کند. در غار حراء گوشه‌گیری و خلوت می‌کرد و در آنجا چندین شب عبادت می‌کرد، بدون این که به پیش اهل و خانواده‌اش برگردد، و زاد و توشه خلوت کردن را تهیه و با خود می‌برد.

بعد از آن به نزد خدیجه برمی‌گشت و برای شبهای دیگری دوباره زاد و توشه برمی‌گرفت و با خود می‌برد. تا وقتی از اوقات که در غار حراء بود حق و حقیقت بدو رسید.

فرشته به پیش او آمد و گفت: بخوان. فرمود: من خواندن نمی‌دانم... پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت فرموده است: فرشته مرا گرفت و فشار و تکانم داد تا بدانجا که خسته و درمانده شدم و نیروئی برایم نماند. سپس مرا رها کرد و گفت: بخوان. من گفتم: خواندن نمی‌دانم. برای بار دوم مرا گرفت و فشار و تکانم داد تا بدانجا که خسته و درمانده شدم و نیروئی برایم نماند. سپس مرا رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: خواندن نمی‌دانم. برای بار سوم مرا گرفت و فشار و تکانم داد تا بدانجا که خسته و درمانده شدم و نیروئی برایم نماند. سپس گفتم: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) أَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵) (ای محمد! بخوان چیزی را که به تو وحی می‌شود. آن را بی‌آغاز و) بخوان به نام پروردگارت. آن که (همه جهان را) آفریده است. انسان را از خون بسته آفریده است. بخوان! پروردگارت تو بزرگوارتر و بخشنده‌تر است (از آنچه تو می‌انگاری. بعد از این، بزرگوارها و بخشنده‌ها از او خواهی دید که تعلیم قرائت در برابر آنها ساده و ناچیز است). همان خدائی که به وسیله قلم (انسان را تعلیم داد و چیزها به او) آموخت. بدو چیزهایی را آموخت که نمی‌دانست. پیامبر صلی الله علیه و سلم با این آیات در حالی به خانه برگشت که اندامش می‌لرزید. وقتی که به پیش خدیجه رفت، فرمود: «رَمَلُونِي رَمَلُونِي» (مرا بیوشانید.

مرا ببوشانید). او را پوشاندند تا ترس و هراس او برطرف گردید. آن گاه فرمود: «یا خدیجهُ مالی؟» ای خدیجه مرا چه شده است؟» خدیجه او را از رخداد آگاه کرد. فرمود: «قَدْ خَشِيتُ عَلِي نَفْسِي.» «واقعاً بر خویشتن ترسیدم.» خدیجه بدو گفت: هرگز! هرگز! مژده باد تو را، به الله سوگند هرگز الله تو را خوار نمی‌دارد. زیرا تو پیوند خویشاوندی را مراعات می‌کنی و صلّه رحم را به جایی می‌آوری.

راستگو هستی و راست می‌گوئی. به درد دردمندان می‌رسی و درماندگان را کمک و یاری می‌کنی، و از مهمانان به خوبی پذیرائی می‌کنی، و در برابر حوادث حقّ تعالی، یار و مددکار دیگران می‌شوی.

آن گاه خدیجه پیغمبر صلی الله علیه و سلم را با خود به پیش ورقه پسر نوفل پسر اسد پسر عبدالعزی پسر قصی برد. ورقه پسر کاکای خدیجه بود. در زمان جاهلیت عیسوی شده بود. کتاب عربی می‌نوشت. کتاب های عبری را از روی انجیل، تا آنجا که خدا می‌خواست بنویسد - می‌نوشت. پیر و کور شده بود.

خدیجه بدو گفت: ای پسر کاکا، سخن پسر برادرت را بشنو. ورقه گفت: پسر برادرم، چه می‌بینی؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم از چیزی که دیده بود بدو نقل کرد. ورقه گفت: این همان رازداری است (به نام جبرئیل) که به پیش موسی می‌آمد. کاش در آن وقت جوان می‌بودم. کاش من زنده می‌بودم در آن هنگام که قوم تو، تو را بیرون خواهند کرد. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «أَوْ مُخْرَجِي هُمْ؟». (آیا ایشان مرا بیرون خواهند کرد؟).

ورقه گفت: بلی. هرگز مردی چیزی را با خود نیاورده است به سان چیزی که تو با خود آورده‌ای مگر این که با او دشمنی شده است. اگر من زنده باشم به تو سخت کمک خواهم کرد و کاملاً یاری ات خواهم داد. ولی مدتی، نگذشت که ورقه وفات یافت... تا آخر». این روایت در صحیح مسلم و صحیح بخاری از قول زهري نقل شده است.

آیت «اَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ\*...» در واقع آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه و سلم بود، و علامه مبارک فوری در کتاب «رحیق المختوم» می‌نویسد: «با بررسی قرائن و شواهد و دلایل مختلف، می‌توانیم سالروز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را شامگاهان دوشنبه بیست و یکم رمضان، مطابق با دهم سال ۶۱۰ میلادی، شب هنگام، معین سازیم که در آن آوان، ایشان دقیقاً چهل سال قمری و شش ماه و دوازده روز از عمر شریفشان می‌گذشته است که با ۳۹ سال شمسی و ۲ ماه و ۲۰ روز برابر خواهد بود».

همچنین ایشان در ادامه می‌نویسد: «سیره نویسان در ارتباط با تعیین نخستین ماه گرامی داشت پیامبر صلی الله علیه و سلم- به نبوت از سوی خداوند و فرو فرستادن وحی بر آن حضرت، اختلاف فراوان دارند. عده زیادی از سیره نویسان بر آن شده‌اند که ماه ربیع الاول بوده است؛ گروه دیگری از آنان بر آن‌اند که ماه رمضان بوده است؛ برخی نیز گفته‌اند: ماه رجب بوده است. ما ترجیح داده‌ایم که ماه رمضان بوده باشد؛ به دلیل این آیت شریفه که می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (سوره البقرة: ۱۸۵). و این آیت شریفه دیگر که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». (سوره القدر: ۱). که در نتیجه شب قدر در ماه رمضان قرار می‌گیرد، و شب قدر همان شبی است که در آیت ۲، سوره دخان، خداوند درباره آن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (سوره الدخان: ۳). و نیز به دلیل آن که اقامت آن حضرت در غار حراء در ماه رمضان بوده، و واقعه نزول جبرئیل بر ایشان نیز در همین ماه بوده است؛ چنان که همگان می‌دانند.

قائلان به آغاز نزول وحی در ماه رمضان نیز در باب تعیین دقیق این روز با یک دیگر اختلاف دارند، و روایات در این زمینه مختلف است. بعضی گفته‌اند: روز هفتم، برخی گفته‌اند: هفدهم، و بعضی دیگر نیز گفته‌اند: هجدهم.

این اسحاق و برخی دیگر از سیره نوسان بر آن‌اند که این روز، روز هفدهم بوده است؛ اما، ما ترجیح دادیم که روز بیست و یکم بوده باشد، به این دلیل که تمامی سیره نویسان یا اکثر آنان متفق القول‌اند بر این که بعثت رسول الله صلی الله

علیه وسلم- در روز دوشنبه اتفاق افتاده است؛ چنان که آن حضرت خود فرموده‌اند: «فیه ولدت و فیه انزل علی» و به روایت دیگر: «ذاک یوم ولدت فیه و یوم بعثت او انزل علی فیه» (صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۳۶۸؛ مسند احمد، جلد ۵، صفحه ۲۹۷، ۲۹۹؛ بیهقی، جلد ۴، صفحه ۲۸۶، ۳۰۰؛ حاکم نیشابوری، جلد ۲، صفحه ۶۲). روز دوشنبه در ماه رمضان نیز در آن سال مطابق بوده است با روز هفتم؛ روز چهاردهم؛ روز بیست و یکم، و روز بیست و هشتم؛ از سوی دیگر، بنا به دلالت احادیث صحیح، شب قدر جز با یکی از شبهای فرد در دهه آخر رمضان منطبق نمی‌گردد، و شب قدر در محدوده این شبها جابه‌جا می‌شود. اگر این آیت شریفه را که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». با روایت ابوقتاده که می‌گوید بعثت آن حضرت روز دوشنبه بوده است، کنار هم بگذاریم، همچنین با مراجعه به تقویم تطبیقی که موارد مطابقت روز دوشنبه را با ایام رمضان در آن سال تعیین می‌کند؛ برای ما یقینی شده است که بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شب هنگام، شامگاه روز ۲۱ رمضان بوده است».

### اهداف کلی و اساسی این سوره :

- ۱- توجه انسان به الله تعالی که او رب است و آفریدگار و ارجمند و آموزش دهنده است و کنار زننده پرده های جهل و نادانی؛
  - ۲- توجه بشر به این که خداوند او را از علق آفریده است و این که او تحت ربوبیت خداوند است و حامل لواهی علم و معرفت و هنگامی که خود را مستغنی می‌یابد فساد و طغیان می‌کند؛
  - ۳- توجه به این که بازگشت همه چیز به سوی خداست. آغاز و انجام همه به دست او و به سوی اوست؛
  - ۴- متوجه ساختن انسان به وظایف او که باید قرائتش بلکه همه افعالش به نام خدا و در سبیل هدایت باشد و دستور تقوا دهد، با حق سنیزه نکرده و به آن پشت نکند و بداند که الله متعال او را می‌بیند (و او در محضر و مرءای خداست).
  - ۵- ترساندن از عذاب خداوند که او موی سر او را می‌گیرد و با حقارت و ذلت به سوی عذاب می‌کشاند؛
  - ۶- و توجه به این که خداوند می‌خواهد از طغات و فاسدین پیروی نشود و بندگان خدا در پیشگاه او به خاک مذلت بیفتند و قرب و نزدیکی او را بخواهند.
- ادامه دارد